



ساتی در هند باستان

ترجمه‌ی کوروش فتاحی
سرگروه تاریخ- زرقان

اشاره

نیز ترغیب می‌کردند که وقتی در آتش هستند و قبل از این که روحشان تسلیم شود، خدای «رام»^۱ چیزهای شگفت‌انگیزی را بر آن‌ها آشکار خواهد ساخت. سپس روح آن‌ها به بدن‌های متفاوت حلول می‌کند و به درجه‌ی متعالی از شکوه و ابدیت خواهد رسید.

باید خاطر نشان ساخت که زن بدون کسب اجازه از حاکم محل زندگی خود نمی‌توانست خودسوزی کند. حاکمان مسلمان که این رسم را وحشتناک و تنفرآمیز می‌دانستند، به آسانی اجازه‌ی این کار را نمی‌دادند، تنها بیوه‌زنان بدون فرزند خودسوزی می‌کردند. اگر بیوه‌زنی جرئت خودسوزی نداشت، به دلیل این فقدان شجاعت و عشق نورزیدن به شوهر خود، در بقیه‌ی عمر سرزنش می‌شد.

از سوی دیگر، به بیوه‌زنان دارای فرزند تحت هیچ شرایطی اجازه‌ی خودسوزی نمی‌دادند. زیرا در رسم آن‌ها مقدر شده بود، این زنان به منظور مراقبت و تعلیم و تربیت فرزندانشان اجازه‌ی زندگی داشته باشند. زنانی که حاکمان قاطعانه اجازه‌ی خودسوزی را به آن‌ها نداده بودند بقیه‌ی عمر خویش را در شرایط سخت همراه با انجام اعمال خیرخواهانه سپری می‌کردند. برخی از آن‌ها به طور مداوم در راه‌ها برای تهیه‌ی آب و نوشاندن به رهگذران و یا جلوگیری از خاموش شدن آتش برای کسانی که مایل به کشیدن تنباکو بودند، رفت‌وآمد می‌کردند. از میان آن‌ها کسانی نیز بودند که تعهد می‌کردند، چیزی جز آن‌چه که در فضولات هضم‌نشده‌ی گاوها می‌یابند، نخورند.

حاکم با مشاهده‌ی سرزنش‌ها و هم‌چنین اصرار شدید اقوام و برهنه‌ها که خواستار خودسوزی این زنان بودند، موفق به انصراف آن‌ها از چنین

از آن‌جا که در کتاب «تاریخ ایران و جهان» (۱) - اشاره‌ای به «رسم ساتی» در تمدن هند باستان شده. مطالعه‌ی مقاله‌ی حاضر که ترجمه‌ی مقاله‌ای است با عنوان «India in Sutte» اثر جین کاپاتیست تاورنیه، می‌تواند در تدریس این قسمت از کتاب مذکور مفید واقع شود.

ساتی رسمی باستانی در میان بت‌پرستان هند بوده است. در این رسم پس از مرگ شوهر، بیوه‌ی او هرگز نمی‌توانست دوباره ازدواج کند. او مدتی پس از مرگ شوهرش از گریه کردن دست می‌کشید، موهای سرش را می‌تراشید و تمام زیورات را از خود دور می‌ساخت. دست‌بندهایی را که شوهرش هنگام ازدواج به عنوان نشانه‌ی اطاعت همسر به او هدیه کرده بود، از بازوها و پاهایش جدا می‌ساخت و برای بقیه‌ی عمر خود، بدون هیچ‌گونه توجهی از سوی اطرافیان، در وضعیتی نامطلوب حتی بدتر از یک برده، در مکانی که قبل از ازدواج زندگی می‌کرد، باقی می‌ماند.

این شرایط اسفناک چنان زن را از زندگی متنفر می‌ساخت که نشستن بر توده‌ای از هیزم آتش و زنده زنده سوختن با جسد مرده‌ی شوهرش را، بر ادامه‌ی این‌گونه زندگی ترجیح می‌داد. به‌علاوه، برهنه‌ها نیز به آنان امید می‌دادند که به این طریق مردن، دوباره با شوهرانشان در جهانی دیگر در آسایش و شکوهی بیش از آن‌چه سابقاً برخوردار بودند، زندگی خواهند کرد. به این دلایل، بیوه‌ی نگون بخت مصمم می‌شد که با جسد شوهرش خودسوزی کند. باید اضافه شود که کاهنان آنان را به این امید

تصمیم هولناکی نمی‌شد. سرانجام هنگامی که منشی به او اشاره می‌کرد که رشوه را دریافت کرده است، اجازه می‌داد آن‌چه می‌خواهند انجام دهند و با خشم به بت‌پرستان همراه زن می‌گفت: «همگی به نزد شیطان بروید!»

به محض کسب اجازه از حاکم، این افراد در حالی که آلات موسیقی مانند طبل و فلوت نواخته می‌شد، به منزل متوفی می‌رفتند و از آن‌جا، جسد را تا کنار رودخانه یا آبگیر، یعنی جایی که قرار بود سوزانده شود همراهی می‌کردند. تمام اقوام و دوستان بیوه‌ای که مایل بود بعد از شوهرش بمیرد، به سبب چنین سرنوشت نیکویی که او در آستانه‌ی کسب آن در جهان دیگر بود، و هم‌چنین به سبب افتخاری که تمام اعضای «طبقه»^۲ از تصمیم شرافتمندانه‌ی او به‌دست می‌آوردند، پیشاپیش به او تبریک می‌گفتند. زن مانند روز عروسی‌اش لباس می‌پوشید و سادی‌کنان به سوی مکانی می‌رفت که قرار بود سوزانده شود.

نواختن آلات موسیقی و آوازهای زنان سروصدای زیادی به‌پا می‌کرد. برهمن‌های همراه زن او را ترغیب می‌کردند که شجاعت و عزم خویش را نشان دهد. برخی از اروپاییان معتقدند، به‌منظور رفع ترس از مرگ که بشر به‌طور طبیعی از آن گریزان است، نوعی نوشیدنی به زن داده می‌شد تا تمام هراس و دلواپسی او را که ممکن بود در این مرحله به‌وجود آید، برطرف سازد. **مصمم بودن زن به خودسوزی به نفع برهمن‌ها بود، زیرا تمام زیورات از آن برهمن‌ها می‌شد که آن‌ها را در خاکسترها جست‌وجو می‌کردند.** زیورات زنان ثروتمند از طلا یا نقره بود و زیورات زنان فقیر از مس و قلع.

من خودسوزی زنان را مطابق با رسوم مناطق گوناگون، به سه شیوه‌ی متفاوت مشاهده کرده‌ام. در پادشاهی گجرات تا آگرا و دهلی، این رسم چنین اجرا می‌شد: در حاشیه‌ی رودخانه یا آبگیری، نوعی کلبه‌ی کوچک از نی و شاخه‌های درخت می‌ساختند و کوزه‌های حاوی روغن را برای سوزاندن سریع‌تر در آن قرار می‌دادند. زن در حالت نیم‌خیز وسط کلبه جای می‌گرفت؛ به طوری که سرش بر نوعی بالش چوبی قرار می‌گرفت و پشتش به دیرکی چوبی تکیه داشت که تا کمر به وسیله‌ی برهمن‌ها به آن بسته شده بود تا مبادا از ترس شعله‌های آتش بگریزد. در این وضعیت، او جسد شوهرش را روی زانوهایش نگاه می‌داشت، در حالی که در تمام این اوقات نوعی برگ تند و تیز^۳ را می‌جوید. پس از سپری شدن حدود نیم ساعت، برهمنی که در کنار وی بود، از کلبه خارج می‌شد و با صدای بلند از دیگران می‌خواست، آتش را روشن کنند. با این فرمان، اقوام و دوستان زن که در محل حضور داشتند، اقدام می‌کردند و کوزه‌های حاوی روغن را به درون آتش می‌انداختند تا با سرعت بخشیدن به سوزاندن، زن رنج کمتری را متحمل شود. پس از تبدیل جسدها به خاکستر، برهمن‌ها هر آن‌چه از زیورات ذوب شده را که می‌یافتند، صاحب می‌شدند.

در پادشاهی بنگال، زنان به شیوه‌ی دیگری سوزانده می‌شدند. در آن

کشور، اگر زنی نمی‌توانست خود را با جسد شوهرش به ساحل رود گنگ برای شستن جسد و استحمام خویش برای خودسوزی برساند، می‌باید خیلی فقیر و درمانده باشد. من زنانی را دیده‌ام که پس از ۲۰ روز سفر به رود گنگ رسیده‌اند، در حالی که جسد شوهرشان تا آن زمان به‌طور کامل متعفن شده بود و بوی غیرقابل‌تحملی از آن به مشام می‌رسید. یکی از آن‌ها از شمال و از نزدیک مرزهای پادشاهی بوتان، در حالی که تمام مسیر را پیاده و بدون خوردن غذایی به مدت ۱۵ یا ۱۶ روز پیموده بود و جسد شوهرش را در یک درشکه حمل می‌کرد، خود را به رود گنگ رسانده بود. من در آن زمان آن‌جا بودم.

از آن‌جا که در سرتاسر بنگال چوب کمی یافت می‌شد، این زنان فقیر از راه صدقه و گدایی، چوب لازم را برای سوزاندن خود و همسرانشان تهیه می‌کردند. توده‌ی هیزم به صورت یک تخت‌خواب همراه با بالش‌های کوچک چوبی آماده می‌شد و در کنار آن، کوزه‌های روغن و مواد آتش‌زا را برای سوزاندن هرچه سریع‌تر قرار می‌دادند. زنی که تصمیم به خودسوزی داشت، در حالی که پیشاپیش او نوازندگان بودند و خود را با زیباترین جواهراتش آراسته بود، رقص‌کنان به سوی محل سوزاندن پیش می‌رفت و به صورت نیمه‌دراز کشیده بر توده‌ی هیزم قرار می‌گرفت. پس از آن که جسد شوهرش را کنار وی می‌گذاشتند، تمام اقوام و دوستان برایش هدایایی می‌آوردند؛ مانند نامه، پارچه، گل و قطعات نقره یا مس. از او می‌خواستند که این اشیاء را از جانب آن‌ها به مادر، برادر یا هر دوست و خویشی بدهد که در زمان حیات به آن‌ها علاقه داشته‌اند.

در پایان لازم به ذکر است که این رسم منحصر به هند باستان نیست و ما در طول تاریخ شاهد انواع مشابه آن هستیم. چنان که در دوره‌ی جمهوری روم باستان، خودکشی همسران سرداران و سیاستمداران مشهور رومی پس از مرگ شوهرانشان، یکی از صحنه‌های دردناک تاریخ است. هم‌چنین به نقل از «سفرنامه‌ی ابن فضلان»، در بعضی از قبایل روسیه زنان بیوه ابتدا به قتل می‌رسیدند و سپس به آتش افکنده می‌شدند. زنده به گور کردن نوزادان دختر توسط اعراب جاهلی نیز جلوه‌ای دیگر از این جاهلیت و زن‌ستیزی سنتی در طول تاریخ است. با تابش نور ادیان الهی و دمیدن فضایل اخلاقی در کالبد تمدن بشریت توسط پیامبران و مصلحان، این نوع رسوم و دیدگاه‌های ضدانسانی نیز از بین رفتند.

بی‌نوشت

1. Jean-Gaptiste Tavr
2. Ram
3. Caste
4. Betel

منبع

www.Galileolibrary.com